**امت و امت‌انديشي در هويت ايرانيان دوره پهلوي**

**مطالعه موردي: تأكيد بر مسئله فلسطين و امت اسلامي در مجلس شوراي ملي**

**محمود ذكاوت[[1]](#footnote-1)**

**چكيده**: با ظهور اندشه اصلاحي در دوره معاصر جهان اسلام با مساعي نخبگاني همچون سيدجمال‌الدين اسدآبادي، مفهوم «امت اسلامي» نضج گرفت. نهضت روحانيت در ايران خاصه امام‌خميني(ره) در انقلاب اسلامي اين مفهوم را در ادبيات سياسي ايران گسترش دادند. در اين ميان يكي از محورهاي اساسي در مقوله امت و امت‌گرايي، توجه به بحران فلسطين بود. در مقوله امت انديشه ايرانيان شيعي با مسلمان سني «امت» واحدي را تشكيل مي‌دادند.. اين مقاله در نظر دارد با روش توصيفي-تحليلي و تحليل محتوا به مسئله انديشه امت‌گرايي در هويت ايرانيان در دوره پهلوي بپردازد. در اين ميان به مشروح مذاكرات مجلس شوراي ملي در هنگانه عمق شدن بحران فلسطين توجه دارد. بررسي مقاله مذكور نشان مي‌دهد با وجود آنكه انديشه امت‌گرايي به شدت از سوي قدرت در دوره پهلوي طرد و رد مي‌شد اما جريان‌هاي اجتماعي خاصه جريان اسلامي توانستند اين موضوع را براي حوزه هاي عمومي و مردم مسئله كنند.

**واژگان كليدي**: هويت، ايران، ايرانيان، اسلام، امت، امت‌گرايي، پهلوي، فلسطين، علما.

# 1-1- مقدمه

دامنه معنایی مفهوم «اُمَّت» بسیار وسیع است. با وجود اين از جمله مهمترين معناي آن عبارت است از ملت یا جامعه‌ای مذهبی كه تحت لوای هدایت یك پیامبر قرار دارد(تركی،1368: ۳۰). امت جماعتی از مردم است كه خداوند برای آنان پیامبری مبعوث كرده، و آنان به او ایمان آورده، و از این رو، با خداوند پیمان بسته، و با او ارتباط یافته‌اند(همان‌جا: 97-103). مقصود از امت گروه بزرگی از مردم است كه دارای زبان یكسان یا دین واحد و یا سرزمین جغرافیایی یكسانی هستند. در قرآن امت به معنی مردم (بقره، ۲:۲۱۳) و یا عده‌ای از انسان‌ها كه با یكدیگر پیوند دینی دارند ، آمده(آل عمران/ ۳/ ۱۱۰؛ بقره/ ۲/ ۱۴۳)، و در احاديث كه بارها به صورت‌های «امت محمد»، یا «امتی» «اُمَم» وارد شده، به معنی جماعتی به كار رفته است كه از یك پیامبر پیروی می‌كنند. «اُمَم» نیز به معنی اقوام پیشین و ملت‌هایی كه خداوند برای آنان پیامبری گسیل داشته، به كار رفته است (تركی، همانجا). امت افزون بر مفهوم ديني خود، مي‌تواند به مفهوم همبستگي زباني، فرهنگي، طبيعي يا نژادي نيز باشد(انصاري، 1380: 192).

**1-2- تطور مفهوم امت**

مفهوم امت در دوره معاصر از سوي نخبگان جهان اسلام بازخواني اساسي شد. اين بازخواني در مواجهه با استعمار صورت گرفت. به اين معنا كه سياست‌هاي دولت‌هاي استعماري در جوامع اسلامي، برخي از نخبگان آن‌ها را بر آن داشت تا براي برون رفت از آن وضعيت چاره‌انديشي كنند. از جمله پاسخ‌هايي كه نخبگان جهان اسلام به مسئله مذكور دادند، احياء امت اسلامي بود. بر اين اساس تفرق و پراكندگي مسلمانان باعث و باني چنين وضعيتي بود و براي برون‌رفت از آن وضعيت بايد به وحدت و امت واحده رسيد. به عبارت ديگر در چنين مختصاتي «امت» به معناي رسيدن به مفهوم «هم‌سرنوشتي» و «امت‌انديشي» است. به همين نحو مفهوم «وحدت» نيز به ظهور رسيد. در واقع «وحدتِ امت» مفهومي كليدي براي چنين روزگاري بود. بايد در نظر داشت كه اين مفهوم نيز سيرتطور معناي را طي كرده و نمي‌توان مفهوم امت در اواخر دوران قاجار را با مفهوم امت در دوران انقلاب اسلامي به يك معنا در نظر گرفت. بر همين اساس نگارنده از تعابير و مفاهيمي نظير «هم‌سرنوشتي» استفاده كرده است. آنچه در اينجا مطمح نظر است نگاه همدلانه و هم‌ذات‌پندارانه ايرانيان با ديگر مسلمانان منطقه و جهان خاصه فلسطين است.

**1-3- نخبگان اصلاحي و تلاش براي تحقق امت**

در اين ميان سيدجمال‌الدين اسدآبادي مهمترين نفش را در بازسازي و به معناي دقيق كلمه توليد اين مفهوم داشت. همچنين مساعي شخصيت‌هايي نظير میرزا محمدحسن شیرازى، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، سید عبدالحسین شرف الدین، اقبال لاهوري، سیدمحمد حسین بروجردى، شیخ عبدالمجید سلیم، شیخ محمود شلتوت و محمد تقي قمي حايز اهميت است. متكي به مساعي چنين شحصيت‌هايي مفاهيم امت و وحدت از فضاي نخبگاني‌اي به حوزه‌هاي عمومي و مردمي نيز كشانده شد. تا آنكه با شروع نهضت امام‌خميني(ه) فصل جديد و تأثيرگذاري در امت‌انديشيِ مردم ايران ايجاد شد.

**1-4- طرح مسئله**

مسئله اين مقاله عمومي شدن مفهوم امت براي مردم ايران است. اينكه در دوره معاصر مردم ايران چطور خود را در مختصات امت اسلامي درك كرده و به نوعي هم‌سرنوشتي خود با ملل مسلمان را درك كردند. اين موضوع با تأكيد بر مسئله فلسطين مورد توجه قرار خواهد گرفت. بررسي اوليه نشان مي‌دهد كه تحت تأثير نخبگان اصلاحي اواخر قاجار و دوره پهلوي مفهوم امت‌انديشي و هم‌سرنوشتي با جوامع اسلامي در ايران به ظهور رسيد. با شروع نهضت اسلامي به رهبري امام خميني(ره) اين مسئله نضج گرفت و در رخداد انقلاب اسلامي به اوج خورد رسيد. در ادامه در سال‌هاي عصر جمهوري اسلامي از شدت اين مسئله در حوزه سياسي كاسته شد و بيشتر رنگ فرهنگي پيدا كرد. مقاله حاضر در نظر دارد سير ظهور و بروز مفهوم امت با تأكيد بر مسئله فلسطين را در هويت ايرانيان معاصر بررسي مي‌كند. تمركز اين مقاله بيشتر بر دوره پهلوي است.

**1-5- منازعه قدرت و مقاومت**

بخش مهمي از مسئله احساس عمومي نسبت به امت درايران معاصر همواره در منازعه قدرت و مقاومت در نوسان بوده است. به اين معنا كه هر گاه قدرت امت‌گرايي را مورد حمله و ستيز قرار داده نيروهاي اجتماعي خاصه جريان‌هاي اسلامي بر تحقق آن تأكيد كرده اند و هر وقت قدرت در صدد تأكيد بر آن بوده بخش از نيروهاي اجتماعي از آن فاصله گرفته اند. در دروه پهلوي به خصوص دولت بر فاصله‌گيري ايرانيان با جوامع اسلامي تأكيد داشت اما با مساعي نخبگان اصلاحي و در تضاد با هويت ديكته شدت از سوي قدرت اين مفهوم در حوزه عمومي گسترش يافت.

**1-6- اشتراك مساعي همه گروه‌هاي اجتماعي در عمده شدن مسئله فلسطين**

همچنين بايد در نظر داشت مسائلي نظير بحران فلسطين و توجه به ايران از آن دست مسائلي است كه اگرچه وجه همت طيف‌هاي مختلف جريان اسلامي بود اما به واسطه عمده بودن شدن نگاه امتي نزد ايرانيان از سوي ديگر جريان‌هاي ملي‌گرا و روشنفكر نيز مورد توجه قرار گرفت. تا جايي كه مي‌توان ادعا كرد يكي از مسائلي كه غالب‌ جريان‌ها اجتماعي ايران به آن احساس همبستگي و هم‌سرنوشتي كردند، مسئله فلسطين است. مقاله حاضر در صدد است اين مسئله را نشان دهد.

# 2- دوره پهلوي

خاطرنشان شد كه نخستين بروزهاي امت‌گرايي در ايران به دوره قاجار برمي‌گردد. با وجود آنكه سيدجمال مساعي زيادي در اين حوزه داشت اما نتوانست اين موضوع را به مسئله عمومي در ايران تبديل كند. به مرور و با تشكيل حكومت پهلوي و تأكيد دولت پهلوي با ساخت هويتي ملي در تضاد با هويت اسلامي، نخبگان اصلاحي رويكري وحدتي و تقريبي و امتي خود را نشان دادند. دولت پهلوي مليت ايراني را محور هويت‌سازي خود قرار داده بود و با تبديل اعراب و اسلام به ديگري، سعي داشت مردم ايران را از داشتن حس و نگاه هم‌سرنوشتي با جوامع اسلامي برحذر دارد. با وجود اين از همان نخستين سال‌هاي حكومت پهلوي امت‌انديشي جزئي از فرهنگ عمومي ايرانيان بود كه توسط علماي شيعه راهبري مي‌شد.

بحران فلسطين از همان آغاز، همواره براي شيعيان و ايرانيان مسئله بود. در ايرانِ رضاخاني با وجود محدوديت شديد قدرت نسبت به دخالت علما در امور سياسي و اجتماعي حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علميه قم واكنش مهمي نسبت به بحران فلسطین نشان داد. در سال 1312 دولت انگلستان بر اساس تمهیدات از پیش تعیین شده‌اي، اجازه عبور کلیمان منطقه از ایران به فلسطین را صادر كرد. افزایش روزافزون خیل مهاجرین به فلسطین باعث اعتراض مسلمانان شد.[[2]](#footnote-2) در چنين شرايطي آیت­الله حائری به دفتر مخصوص شاهنشاهی تلگراف فرستاد و دولت ایران که درباره­ قضیه فلسطین سکوت اختیار کرده بود را مورد خطاب قرار داد. وي از رضاشاه خواست تا از خروج یهودیان از ایران جلوگیری کند و برای حمایت از مردم مسلمان فلسطین اقدامي انجام دهد.[[3]](#footnote-3) چنين سيره‌اي را نزد ديگر علماي شيعه در ادوار بعدي نيز مي‌توان يافت.

# 2-1- واكنش مجلس شوراي ملي به حمله صهيونست‌ها به فلسطينيان

مجلس شوراي ملي در دوره پهلوي هم كه بيش از آنكه مردم را نمايندگي كند سفارش شده از سوي قدرت بود، با وجود اين رگه‌هاي قوي‌اي از امت‌انديشي را دارا بود. در ذيل به مهمترين بروز و ظهورات اين مسئله مي پردازيم.

صهيونيست‌ها در ارديبهشت 1327حملات گسترده‌اي را عليه فلسطينيان صورت دادند و صدها هزار نفر را آوره كردند. در چنين شرايطي واكنش در ايران بسيار مهم و جالب توجه است.

آشتیانى‌زاده نمانيده مجلس در جلسه علني مجلس ابراز داشت : دول آمریکا و شوروى بر قلب عالم اسلامى زده‌اند و دولى که این حکومت را به رسمیت شناخته‌اند به منزله یک دشنه‌ای است که به قلب عالم اسلامى زده‌اند و تمام مسلمین از این قضیه متنفرند.(جلسه: 70 صورت مشروح مذاکرت مجلس روز پنجشنبه 30 اردیبهشت ماه 1327 )

آشتياني زاده در ادامه از سانسور و بايكت صورت گرفته در مجلسه گله مي‌كند: «دولت آمریکا فلسطین را به رسمیت می‌شناسد یعنى یهود را در اینجا راجع به والاس نیم ساعت صحبت کردند و راجع به این موضوع اجازه نمی‌دهند صحبت شود.»(جلسه: 70 صورت مشروح مذاکرت مجلس روز پنجشنبه 30 اردیبهشت ماه 1327 ) به بيان ديگر قدرت در صدد بود مسئله فلسطين چنانكه بايد در ايران مطرح نشود و بخشي از نمايندگان از اين بابت نگران بودند. آشتياني كه نسبت به عدم درج اظهاراتش درباره فلسطين در صورت مذاكرات مجلس معترض بود اظهار داشت: «بنده معتقدم که نمایندگان مجلس شورای ملی نمایندگان ملت اسلام هستند. و ملت ایران هم مسلمان است و البته احساسات ملت ایران بایستی در پشت این تریبون همیشه متظاهر باشد»(جلسه: 71 صورت مشروح مذاکرات مجلس روز شنبه اول خرداد ماه 1327 ) امت‌انديشي نماينده مجلس در اين اظهارات كاملا هويدا ست.

در جلسه ديگر مجلس نيز سلطان‌العلماء(محمدطباطبايي) اظهار داشت:«ارض فلسطین قبل از طلوع اسلام از اراضى مقدسه بوده و مورد احترام آن زمان بوده و شاهد بر این مدعى این است که در زمان پیغمبر اسلام هم پیغمبر اکرم به آنجا متوجه بوده و بیت‌المقدس را قبله خود فرمودند و به آنجا نماز خواندند و شاهد بر این مدعى این آیه شریفه است قول وجهک شطر المسجد الحرام- لذا این ارض مورد احترام بوده و می‌باشد و فعلاً این سرزمین مورد تهاجم یک مشت یهودى ماجراجو واقع و به ناموس و مال مسلمین آن سامان تعدى نموده و می‌خواهند آنها را از ملک خود برانند و ساعى هستند که با فجیع‌ترین وضعى مالکین محقق و مسلم آنجا را بیرون نمایند و خود جانشین آنها بشوند بنده لازم می‌دانم همان طور که در دو روز قبل ملت اظهار تنفر و انزجار خود را اظهار کرده مجلس مقدس شواری ملى هم همدردى خود را به برادران عرب اعلام داشته و مطمئن نمایند **برادران ایرانى از هیچ گونه مساعدت براى احقاق حق هم‌کیشان عرب خوددارى نخواهند فرمود-** پیشنهاد بنده در این خصوص به مقام ریاست عرض کردم که نمایندگان و کارمندان دولت که جنبه اسلامى دارند آن است كه یک روز حقوق خود را به نفع مسلمین فلسطین بدهند. بناء علی‌هذا می‌خواستم امروز به حضور مبارک آقایان نمایندگان محترم عرض کنم اخبار تأسف و تأثرآورى همه روزه به ما می‌رسد که هر روز به جان و ناموس مسلمین عرب که برادران مسلمان ما هستند در فلسطین تعدى می‌نمایند. فلسطین متعلق به اعراب مسلمان آن سامان است و یهودیان مهاجر که از نقاط مختلف دنیا به آنجا هجوم آورده‌اند ساعى هستند که آنها را بیرون کرده و خود جانشین آنها بشوند گو این که این عرض بنده جنبه قانونى ندارد و نمی‌خواهم جنبه قانونى برایش بگذارم فقط منظورم این است که آقایان اظهار همدردى خودشان را نموده باشند.»( جلسه: 72 صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه‌شنبه چهارم خرداد ماه 1327)

دکتر صادق رضازاده شفق ضمن ابراز نگراني از وضعت جهاني نيز به نحوي ديگر وارد بحث شد: «در این گیرودار یک نقطه دیگر هم در عالم هست که ایرانی‌ها را به خصوص از این لحاظ نگران می‌دارد و ملت ایران حق دارد در این موقع نگرانى و تألم خاطر خودش اظهار دارد و آن عبارت از وقایعى است که در فلسطین روى می‌دهد چنانکه همه‌مان می‌دانیم مدتى است که در فلسطین بین عرب و یهود یک اختلافات سیاسى پیش آمده است چیزى که اسباب نهایت تأسف است این است که مبدأ این اختلافات سیاسى در فلسطین به واسطه ترور و وسائل غیر مشروع و تحریکات شروع گردیده است در امور سیاسى و احقاق حق ملل تحریکات و ترور و استفاده از وسائل نامشروع و خلاف قانون بدیهى است که نمی‌تواند مطلوب و مقبول واقع شود.

حداقل پنجاه میلیون عرب و بنا به عقیده بعضى بلکه بیشتر 60 هفتاد میلیون عرب در این سرزمین از بدو تاریخ تا امروز ساکن بوده و اینجا سرزمینى بوده است که دولت عرب و حکومت اسلامى در آنجا برپا بوده است و این‌ها راجع به یک مسئله سیاسى با عده‌ای از یهود طرف شده‌اند و با کمال تأسف اوضاع و تحریکات و پیش آمدها طورى شده است که حقیقة و حقاً بر خلاف عدالت بین‌المللى و بر‌خلاف انتظار ملت ایرانست در همین روزها که الان ما اینجا جمع می‌شویم در حدود 200 هزار نفر متواریان و پناهندگان عرب در صحراهاى سوزان فلسطین بدون سرپرست وبدون ملجا و مسکن و غذا حیران مانده‌اند آب خوردن براى این دویست یا سیصد هزار نفر گاهى در تانک‌های نفت از هفت هشت میل به آنها می‌رسد آن هم گاهى نمی‌رسد این مردم نان براى خوردن ندارند به موجب اخبار دیروز حصبه شدیدى شروع گردیده است و این دویست سیصد هزار نفر مستقیماً معروض خطر از بین رفتن هستند ملت ایران در قبال چنین پیشامدى نمی‌تواند خونسرد و لاقید و تماشاگر باشد انتظار ملت ایران از دولت‌ها و ملت‌هاى بزرگ که اساس عدل بین‌الملل و حقانیت را خواسته‌اند.» (جلسه: 91 صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه 17 اَمردادماه 1327 )

شفق در ادامه اظهار داشت: «ما ایرانی‌ها هم با ملت یهود یک خصومت و دشمنى خاصى نداریم بلکه برعکس ما با ملت یهودسوابق تاریخى داریم بزرگ‌ترین شاهد رأفت و محبت ملت ایران نسبت به ملت یهود خود کتاب مقدس آن‌ها کتاب تورات است الان هم ما نسبت به حقوق ملل در ضمن آن‌ها ملت یهود هیچگونه تعرضى و اعتراضى که خلاف حق و حقانیت باشد نداریم ولى **موضوعى که هست حدود 50 میلیون عرب که قسمت اعظم آن‌ها هم کیش و هم دین ما هستند و امروز معروض خطرهاى سیاسى و خطرهاى اقتصادى و نظایر آن هستند نسبت به اینها بدیهى است که ما نمی‌توانیم بى‌قید باشیم و کسى هم این انتظار را از ما ندارد**.» (جلسه: 91 صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه 17 اَمردادماه 1327 )

شفق در ادامه به مسئله مرموز صدور سلاح از ايران براي صهيونيست‌ها اشاره دارد و اضافه مي‌كند: «حتى در دست یهود یک چند تا تفنگ برنو هم پیدا شده است و این اسباب حیرت است که این تفنگ‌ها که مارک ایران دارد چطور شده است و به چه ترتیب به آنجا رسیده است

و من یقین دارم آقایان هم با بنده هم عقیده هستند که من تصور نمی‌کنم که یک ایرانى مسلمان یک قبضه تفنگ، یک اسلحه سرد یا گرم به دست یک عده‌اى که بر ضد عرب و مسلمانان می‌جنگند بدهد. البته بعد از شهریور 20 یک مقدار زیادى اسلحه ایران دست اشخاص غیر مسئول افتاد و از کجا معلوم که این اشخاص غیرمسئول یک عده‌شان اساساً ایرانى بوده باشند و به وسیله پول و دسایس دیگر این اسلحه را از حدود ما خارج کرده‌اند. یک مقدار مهمى اسلحه ما را براى خود متفقین ساختند چون کارخانه تهران بود البته روى این اسلحه مارک کارخانه‌جات تهران بود.» (جلسه: 91 صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه 17 اَمردادماه 1327 )

در ادامه شفق خيلي صريح تمايلات امت‌انديشي خود به نمايندگي از ملت ايران را بروز مي‌دهد: «به هر صورت بنده در خاتمه عرایضم می‌خواهم عرض کنم که ملت ایران با دقت تمام با توجه و مراقبت تمام این مراقب اوضاع فلسطین هست و خواهد بود و منافع اساسى و حیاتى 50 میلیون عرب را چنانکه احساسات تمام عالم اسلام هست ملت ایران در نظر خواهد داشت و امیدوارى ما این است که مراجع بین‌المللى و به خصوص اعضاى شوراى امنیت و دولت‌هاى قوى که ضامن صلح عالم هستند از عدالت، عدالت بین‌المللى و حفظ حقوق ملل اعم از این که یک ملت ضعیف یا یک ملتى قوى باشد غفلت نخواهند کرد و تحریکات و فتنه و فساد و تزویر را که د‌ر عالم دارد رواج پیدا می‌کند تا آنجا که بتوانند جلوگیرى خواهند کرد.» (جلسه: 91 صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه 17 اَمردادماه 1327 )

اسکندری ديگر نماينده مجلس نيز ضمن تأكيد بر نقش دولت‌هاي استعماري در اين بحران ديدگاه‌هاي خود را چنين بروز داد: « دولت‌های ما و مردم خوش باور و خوش نیت ما خیال می‌کنند که مجمع ملل متحدی است در یک جا و هرکسی که یک کار خلافی کرد فوراً یقه‌اش را می‌گیرند. ما بهترین نمونه دو موضوع زنده داریم یکی موضوع فلسطین است ما می‌بینیم که اصلاً مجمعی که تشکیل شده بود برای آزادی و آسایش ملل و حفظ حقوق ملل سه تا دولت گفتند ما بزرگ هستیم یعنی ما قیم دیگران هستیم بعد یک روزی ما دیدیم که یک خط گذاشتند بین سرزمین فلسطین یکی شد منطقه یهودی و یکی منطقه عرب کی به این‌ها اجازه داده بود که سرزمینی را تقسیم کنند؟ چه حقی داشتند این کار را بکنند؟ می‌خواهم ببینم ما می‌دانیم که از 3 هزار و هشتاد سال قبل سلیمان در این جا حکومت داشته است اگر آن طور بود و سابقه رعایت می‌شود که در چهارصد سال قبل سرخ پوست‌ها حکومت می‌کردند در امریکا اگر این طور است این‌ها باید بروند از آمریکا و آمریکا را تحویل سرخ پوست‌ها بدهند. این چه حرفی است آقا اعراب یهود در طی 1300 سال بعد از تصرف بیت‌المقدس از طرف مسلمین تا این دقیقه با هم در امن و آسایش و آرامش زندگی می‌کردند بعد آمدند یک خطی بینشان گذاشتند و امروز صحیح است که انگلستان نشان می‌دهد که مخالف این تقسیم فلسطین است این طور نیست این تقسیم و تجزیه پایه‌اش از جنگ قبل به وسیله بالفور گذاشته شد و کتابش هم موجود است و او فلسطین را کانون یهود کرد و تمام زد و خوردها از آن جا شروع شد و حالا برای نظریات سیاسی که از موضوعات ما خارج است پا کنار کشیدند تمام این قضایا این اشتباهاتی است که دول بزرگ می‌کنند خودشان و سایرین را به خاک و خون می‌کشند بدانند برای آن‌ها هم نتیجه‌ای نخواهد بخشید.» (جلسه: 96 صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه 28 اَمرداد ماه 1327)

حائری‌زاده ديگر نماينده مجلس نيز ضمن تأييد برخي از اظهارات مقامات ايران خاصه منصور السلطنه عدل در همدلي با فلسطينيان نسبت به بحران فلسطين چنين واكنش نشان داد: «این وقایعی که در فلسطین واقع شده به مسلمین ایرانی که در آن حدود بوده‌اند فشار شدید وارد شده است . . . بین 300 تا 400 نفر ایرانی که در آن جا مسلمانان بودند در نتیجه فشار و اذیت یهودی‌ها سرگردان شدن.(جلسه: 97 صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه‌شنبه دوم شهریورماه‏‌1327).

دکترعبده با شيوه اي ديگر و متكي به ادبيات حقوق بين‌الملل در صدد واكنش به بحران مذكور بود: « با اعلامیه جهانى حقوق بشر یا طرح قرار‌دادهاى دسته جمعى که براى این عمل معلوم شده و دول مکلفند تعهد بکنند ملتزم بشوند که مرتکبین را مزاجات بکنند و حتى اگر نکردند ممکن است سازمان‌های بین‌المللى در این مورد مداخله بکنند این‌ها اقداماتى است که نباید ناچیز شمرده شود این اقدامات شاید نتیجه آنى ندهد و به طور مسلم با برداشتن این قدم‌ها یک مبنا و اساسى براى صلح عمومى گذاشته خواهد شد . . .در قضیه فلسطین با وجود این که هم بلوک خاورى و هم بلوک باخترى هر دو موافق با تقسیم فلسطین بودند ما از لحاظ حفظ منشور سازمان و از لحاظ حفظ حقوق و منافق  برادران مسلمان خود همیشه با این فکر مبارزه کردیم و در جلسات اخیر مجمع عمومى برعلیه تقسیم رأى دادیم و بالاخره نشان دادیم که ما معتقدیم که فلسطین متعلق به اقوامی است که در آن سکونت دارند یعنى اقوام عرب.. . ‏(جلسه: 131 صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه نوزدهم دی ماه 1327 )

# 2-2- واكنش مجلس شوراي ملي به شناسايي دوفاكتور اسرائيل توسط دولت

در ٢٤ اسفند ١٣٢٨ دولت با انتشار بيانيه‌اي، شناسايي اسرائيل را به صورت دو فاكتو اعلام كرد. در مجلس وقت مخالف‌هاي سختي با چنين عمل دولت پهلوي شد.(جلسه: 80 صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه 21 آبان ماه 1329) در يكي از جلسات حائري‌زاده نماينده مجلس تأكيد كرد: «من آرزو دارم که تمام ممالک عربى داراى یک خانه‌اى باشند و یک وحدتى که بین آنها هست وحدت اسلامى، آنها با هم متحد و متفق دست مرکز‌هاى فساد و تخم فسادى که خارجی‌ها در آن ممالک کاشته‌اند آنها را کوتاه کنند فلسطین را نجات بدهند از این بدبختى که برایش پیش آمده است و اشخاصى که آلت بى‌اراده اجنبى‌ها هستند آنها را برانند و ما هم روابط دوستى و مودت با آنها داشته باشیم ما قرارداد مودت با تمام ملل اسلامى با تمام بشر می‌خواهیم داشته باشیم»(جلسه: 154 صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه شانزدهم خرداد ماه 1330) با شدت گرفتن اعتراضات، نمايندگان مجلس، خواستار تجديد نظر درباره شناسايي اسرائيل شدند و تصويب آن را به شرط تصويب مجلس قبول دارند به همين دليل «علي اصغر حكمت» وزير امور خارجه وقت، لغو شناسايي و تجديد نظر در اين باره را خواستار شد. (فلاح‌نژاد، 1388: 32) تحت تأثير اين اقدام كشاورز صدر نماينده مجلس شوراي ملي اظهار داشت: «تمام ملت ایران متشکر و ممنونند از وزارت خارجه که کنسولگرى ایران را در فلسطین منحل کردند زیرا اسرائیل بر علیه برادران مسلمان ما اقدام می‌کرد و هیچ وقت قلوب مسلمانان ایرانى راضى نمی‌شد که یک دولت پوشالى که با حقه بازى درست شده است برعلیه دولت اسلامى اقدام بکند و بنده تشکرم را از آقاى وزیر امور خارجه و دولت عرض می‌کنم در اینجا و امیدواریم همیشه دولت این روش را پیش بگیرد تا برادارن مسلمان ما که ما را همیشه مثل خودشان مى‌دانند از قبیل پاکستان و دول دیگر اسلامى بدانند و دلگرم باشند.( جلسه: 165 صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه 16 تیر ماه 1330 ) با وجود آنكه در نيمه اول حكومت پهلوي دوم يعني تا قبل از كودتاي 1332 نمودهايي از مقاومت در دولت و مجلس وقت ديده مي‌شد از آن به بعد تقريبا يك‌دستي كاملي در راستاي كنار گذاشتن هرگونه رويكرد هويت‌بخش اسلامي و امتي ديده مي‌شود.

# 3- نهضت اسلامي و مسئله فلسطين در دوره پهلوي

با ظهور نهضت اسلامي به رهبري امام خميني(ره) از جمله رويكردهاي اين جريان تأكيد بر هم‌سرنوشتي ايرانيان و ساير مسلمانان بود. در معركه قدرت و نيروهاي مقاومت در دوره پهلوي، امت‌گرايي به محور و مؤلفه‌اي براي ناسازگاري با قدرت نيز بدل شده بود. دولت پهلوي بر عناصر هويت ايراني خاصه بر جنبه‌هاي متفاوت آن با هويت اسلامي و عربي تأكيد مي‌كرد و هويت‌هاي ناسازگار با قدرت خاصه جريان‌هاي اسلامي بر هم‌سرنوشتي ايرانيان با مردم مسلمان در مواجهه با دولت‌هاي استعماري تأكيد داشتند.

مواضع جمال عبدالناصر در قبال ايران اين مسئله را تحت تأثير قرار داد. شاه غرب‌گرا بازيگري بود كه در درامي با كارگرداني آمريكا بازي مي‌كرد و مصدق در صدد انداختن طرحي نو در مواجهه با استعمار بود. او توانسته بود همسوي و همدلي ملل مسلمان منطقه خاصه مصر و جمال‌ عبدالناصر رئيس جمهور مصر را به دست بياورد. در مردادماه 1335 جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهوری مصر، در تقابل با سیاست نزدیکی به غرب محمدرضا پهلوی، کانال سوئز را ملی کرد. او خود را پیرو مکتب مصدق «زعیم شرق» نامید و به دستور او یکی از خیابان‌های زیبای قاهره را که قبلا «شارع رضاشاه پهلوی» نامیده می‌شد به «شارع محمد مصدق» تبدیل شد. گو اينكه معركه كابرد نام مجعول براي خليج فارس از سوي ناصر باعث سرخوردگي ايرانيان حامي او و مخالف شاه شد اما به هر نحو آنچه در عمل رخ داد ايجاد يك همبستگي و هم‌سرنوشتي بين ايرانيان حامي مصدق و مخالف شاه و اعراب ضدسلطه غربي شد.

در اين ميان قضيه فلسطين نيز موضوعيت اساسي داشت. با عمده شدن بحران فلسطين از همان روزهاي نخستين مهاجرت يهوديان صهيونيست به آنجا مواجهه علماي شيعه با اين مسئله به ظهور رسيد. خاصه پس از جنگ‌هاي اسرائيل عليه فلسطين و اعراب در سال‌هاي 1967 و 1973 اين دوگانگي افزايش يافت. هر چه بحران فلسطين عميق‌تر مي‌شد و حملات صهيونيست‌ها به فلسطينيان افزايش مي‌يافت، غليان عمومي و امت‌گرايي در ايران نيز شدت مي‌گرفت. در اين ميان حمايت‌هاي بي‌دريغ دولت پهلوي از اسرائيل به اين هويت تسريع و شدت بيشتري مي ‌بخشيد. علما در صف مقدم قرار گرفتن و براي حمايت از فلسطين حساب مالي ايجاب كردند.

حتي در حوزه‌هاي عمومي‌اي نظير ورزش وقتي مسابقه فوتبال تيم‌هاي ايران و اسرائيل در ورزشگاه امجديه در سال 1349 برگزار شد اين مسابقه به معركه‌اي براي مقابله با صهيونيست‌ها و احساس همدلي با فلسطين بدل شد. با وجود اين نبايد نقش روشنفكراني چون علي شريعتي در تأكيد بر چنين مقولاتي را از نظر دور داشت.

# 4- انقلاب اسلامي اوج ترويج و گسترش مفهوم امت

با رخداد انقلاب اسلامي و استقرار جمهوري اسلامي امت، امت‌گرايي و هم‌سرنوشتي با جهان اسلام به اوج خود رسيد. گفتار رسمي قدرت و گفتارهاي عمومي همه بر اين هم‌نوايي تأكيد داشتند.

انقلاب اسلامي به عنوان جديدترين دست‌آورد اسلام انقلابي شناخته شد و همدلي ملل اسلامي را برانگيخت. حافظ اسد رئيس‌جمهور سوريه، ضياء الحق رئيس‌جمهور پاكستان و مهمتر از همه ياسر عرفات رهبر سازمان آزاديبخش فلسطين، نخستين كساني بودند كه با پيام‌هايي، پيروزي انقلاب را تبريك گفتند. برخي رسانه‌هاي منطقه نيز پيروزي انقلاب اسلامي را پيروزي شجاعانه ملت ايران به نفع ملت عرب و مبارزه با صهيونيسم دانستند.[[4]](#footnote-4) اين همسويي صرفا در رسانه‌ها متوقف نشد و با سفرهاي سران مبارز جهان اسلام به ايران بر اين پيوند و احياء تأكيد شد. پیروزی انقلاب اسلامی، گسترش و نفوذ تعاليم انقلاب به كشورهاي منطقه، به ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس و مناطق مسلمانان نشين را به دنبال داشت. اين امر ايران را به كانون توجهات منطقه‌اي و جهاني بدل كرد. حتي خيلي از مبارزين منطقه نيز رفت و آمد به ايران را آغاز كردند. اين رابطه و حمايت بيشتر معنوي و سياسي بود. با قرار دادن هفته وحدت در تقويم نظام جديد اين مسئله نمود مضاعفي يافت. با ابتدار آيت‌الله منتظري در سال 1360، 12 تا 17 ربيع‌الاول به عنوان هفته وحدت نام‌گذاري شد. چنين نام‌گذاري‌اي **وحدت و تقريب مذاهب اسلامي را به تقويم رسمي جمهوري اسلامي نيز وارد كرد و عملا بر سياست هم‌سرنوشتي با جهان اسلام نيز تأكيد شد.**

# نتيجه

امت‌گرايي و امت‌انديشي و احساس هم‌سرنوشتي با مسلمانان در هويت ايرانيان معاصر خاصه در مسئله فلسطين مقوله‌اي است كه در دوره پهلوي نيز وجود داشت. با وجود آنكه قدرت رابطه پنهان و همدلانه‌اي با اسرائيل داشت و با تحميل هويت ايران‌گرايانه صرف، در صدد بود هويت اسلامي جامعه را به حاشيه ببرد اما جريان‌هاي مختلف اجتماعي با فلسطين هم‌دل بودند. حتي در مجلس شوراي ملي كه يكي از اركان قدرت در دوره پهلوي بود، نمايندگان مجلس در نطق‌هاي مختلفي انديشه و احساسات امت‌گرايانه خود را بروز دادند.

اوج بروزات امت‌انديشي و امت‌گرايي با نهضت اسلامي به رهبري امام خميني(ره) به ظهور رسيد. با وجودت آنكه دولت پهلوي در صدد بود با انتساب اين جريان به جمال عبدالناصر به نوعي به آن‌ها خدشه وارد كند اما امت‌گرايي در ايرانيان اين دوره مقاله‌اي نبود كه به اين راحتي مخدوش شود. بنابراين همدلي ايرانيان با فلسطينيان با تأكيدات مراجع خاصه امام خميني ادامه يافت تا با پيروزي انقلاب اسلامي فصل جديدي در اين مؤلفه هويت ايرانيان معاصر ايجاد شد.

بنابراين اگرچه امت‌گرايي در هويت ايرانيان معاصر مقوله‌اي برآمده از انقلاب اسلامي و نهضت اسلامي است اما اين مسئله ريشه در نگراني ايرانيان از وضعيت كم كيشان خود در ديگر نقاط منطقه و جهان دارد. با وجود آنكه دولت پهلوي از هر وسيله‌اي براي كنار گذاشتن اين انديشه از هويت ايرانيان كوتاهي نكرد اما اين مؤلفه ريشه‌دارتر از آن بود كه با خدشه‌هاي دولت پهلوي از هويت ايرانيان كنار رود.

# منابع

تركی، عبدالمجید، «اجماع امت مؤمنان، از جوهر عقیدتی تا واقعیت تاریخی»، تحقیقات اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش، س ۴، شم‍ ۱-۲

انصاري، حسن، (1380)،‌«امت»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج10، تهران، مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

فلاح‌نژاد، علي(١٣٨١). مناسبات ايران واسرائيل در دوره پهلوي دوم»، تهران: مركزاسنادانقلاباسلامي.

هاشمي‌رفسنجاني، انقلاب و پيروزي: كارنامه و خاطرات سال 1357 و 1358، ص210.

محمد کاظمی ، دانشنامه مشاهیر یزد، ذیل «حائری یزدی، عبدالکریم»، یزد، بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانه الرسول، 1382، ص411.

(جلسه: 70 صورت مشروح مذاکرت مجلس روز پنجشنبه 30 اردیبهشت ماه 1327 )

(جلسه: 71 صورت مشروح مذاکرات مجلس روز شنبه اول خرداد ماه 1327 )

( جلسه: 72 صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه‌شنبه چهارم خرداد ماه 1327)

(جلسه: 80 صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه 21 آبان ماه 1329)

(جلسه: 91 صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه 17 اَمردادماه 1327 )

(جلسه: 96 صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه 28 اَمرداد ماه 1327)

(جلسه: 97 صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه‌شنبه دوم شهریورماه‏‌1327)

‏(جلسه: 131 صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه نوزدهم دی ماه 1327)

(جلسه: 154 صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه شانزدهم خرداد ماه 1330)

( جلسه: 165 صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه 16 تیر ماه 1330 )

1. دانش آموخته دكتراي تاريخ تشيع اثني عشري از دانشگاه اديان و مذاهب اسلامي، پژوهشگر در پژوهشگاه تاريخ معاصر. Mahmoud.zakavat@gmail.com [↑](#footnote-ref-1)
2. عمادالدین فیاضی، حاج شیخ عبدالکریم حائری، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1378، ص99. [↑](#footnote-ref-2)
3. محمد کاظمی ، ***دانشنامه مشاهیر یزد***، ذیل «حائری یزدی، عبدالکریم»، یزد، بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانه الرسول، 1382، ص411. [↑](#footnote-ref-3)
4. هاشمي‌رفسنجاني، انقلاب و پيروزي: *كارنامه و خاطرات سال 1357 و* 1358، ص210. [↑](#footnote-ref-4)